

۱۳۱۱/۱۱/۱۳۱۱
۱۳۱۱/۱۱/۱۳۱۱

به نام خداوند جان و

خرد

۱۰۷۹۷۷



دانشگاه اصفهان

دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی

گروه مشاوره

پایان نامه ی کارشناسی ارشد رشته ی مطالعات زنان

حقوق سیاسی زن در ایران و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی

استادان راهنما:

دکتر محمود جلالی

دکتر محمود کتابی

استاد مشاور:

دکتر وحید قاسمی

پژوهشگر:

راحله حسینی

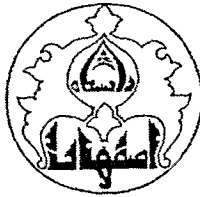
تیرماه ۱۳۸۷

۱۰۶۹۶۷

کتابخانه اساتید و دانشجویان
توسعه آموزش

۸۴۸۶۶۹۸۸۳۳

کلیه حقوق مادی مترتب بر نتایج مطالعات، ابتکارات
و نوآوری های ناشی از تحقیق موضوع این پایان نامه
متعلق به دانشگاه اصفهان است.



دانشگاه اصفهان

دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی

گروه مشاوره

پایان نامه ی کارشناسی ارشد رشته ی مطالعات زنان

حقوق سیاسی زن در ایران و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی

در تاریخ ۸۷/۴/۱۷ توسط هیأت داوران زیر بررسی و با درجه عالی به تصویب نهایی رسید.


امضا

۱- استادان راهنمای پایان نامه دکتر محمود جلالی با مرتبه ی علمی استادیار


امضا

دکتر محمود کتابی با مرتبه ی علمی استاد


امضا

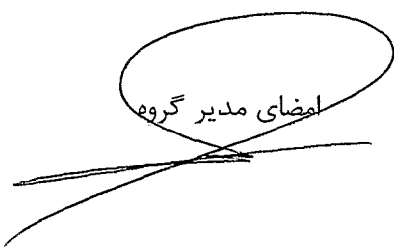
۲- استاد مشاور پایان نامه دکتر وحید قاسمی با مرتبه ی علمی استادیار


امضا

۳- استاد داور داخل گروه دکتر مریم السادات فاتحی زاده با مرتبه ی علمی استادیار


امضا

۴- استاد داور خارج از گروه دکتر بهجت یزدخواستی با مرتبه ی علمی استادیار


امضای مدیر گروه

سپاسگزاری

از استادان کرامت‌مندی: جناب آقای دکتر کتابچی، جناب آقای دکتر جلالی، جناب آقای دکتر قاسمی، سرکار خانم دکتر یزدخواستی، سرکار خانم دکتر مریم السادات فاطمی زاده، سرکار خانم دکتر فاطمه صادقی، جناب آقای دکتر محمد سالار کسرائی، که طفل فردسال اندیشه ام را تا رسیدن به سرچشمه نور همراهی کردند، سپاسگذارم.

از پدرم و مادرم، آن زمینیان آسمانی که دنیای شیرین زندگی ام را بر لظت سفت خویش بنا نهادند و از خواهرم عاطفه، لطافت بی انتهای عشق و از برادرم طاهر، به خاطر حمایت‌های بی دریغش تشکر می‌نمایم.

از همه دوستان مهربانم، قدسی سرمست، شهاب‌الدین شیفی، مهدی رضایی، حسین دبیریان، عرفانه رضوی، آزاده کرمی ... که با صبر و شکیب فراوان، آرامش خاطر را فراهم کردند و پیوسته همراهی ام کردند، تشکر می‌نمایم.

در نهایت، با سپاس از همه آنانی که برگه از این مقاله را ورق خواهند زد.

تقدیم به انسان باوران

چکیده

تحقیق حاضر در نظر دارد ضمن بررسی تطبیقی حقوق سیاسی زن در ایران و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، با استفاده از روش اسنادی و همچنین روش تحقیق کیفی و به کارگیری تکنیک مصاحبه با فعالان حقوق زن؛ کمبودها، تعارضات و ابهامات موجود در این زمینه را شناسایی و به ارائه راهکارهایی در جهت رفع آنها بپردازد. به این منظور، تعداد ۱۷ نفر از فعالان حقوق زن بر اساس اصل اشباع نظری و به شیوه نمونه گیری عمدی، انتخاب و مورد مصاحبه قرار گرفتند. برای تجزیه و تحلیل و استخراج داده ها نیز از شیوه تحلیل روایتی استفاده شد و در نهایت یافته های حاصل از مصاحبه ها به شیوه اثبات از طریق نظریه ها ارائه گردید. به طور خلاصه نتایج به دست آمده از این پژوهش بدین قرارند: از آنجا که حقوق سیاسی زن، بخشی از حقوق انسانی و شهروندی او محسوب می شود و با توجه به جایگاهی که دین اسلام برای زن در عرصه های اجتماعی، سیاسی در نظر گرفته و با در نظر گرفتن الحاق بدون قید و شرط دولت جمهوری اسلامی ایران به میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی در سال ۱۹۷۶، که برابری کامل زن و مرد در برخورداری از حقوق سیاسی- اجتماعی را لحاظ کرده است؛ هنوز زمینه های اجرای کامل آن نه در قانون و نه در عمل فراهم نشده است و در مواردی هم که نص صریحی برای منع حضور زنان در عرصه های تصمیم گیری وجود ندارد، قانون تصدی چنین پست هایی را به شرایطی ارجاع داده است که عملاً زنان را از ورود به این عرصه ها منع کرده است. در واقع باید گفت، مهمترین موانع حضور زنان در مناصب سیاسی، از یک طرف موانع قانونی و حقوقی و از طرف دیگر موانع فرهنگی هستند که در این تحقیق تأکید ما بیشتر بر روی موانع قانونی است. بخش عمده ای از مشکلات زنان در زمینه حقوق سیاسی، به قوانین داخلی کشورمان بر می گردد و بخشی دیگر نیز به نداشتن تعهد عملی نسبت به قوانین و معاهدات بین المللی، که از سوی دولت مورد پذیرش واقع شده و قسمتی از نظام حقوقی ما محسوب می شود. به نظر می رسد یکی از دلایل اصلی تعارض میثاق با قوانین داخلی این است که، به طور کلی معاهدات بین المللی بر اساس اصل بی طرفی مذهبی نگاشته می شوند و داعیه دار ایدئولوژی خاصی نیستند. از این رو با قوانین داخلی ما در تناقض قرار می گیرند. از طرف دیگر حاکمیت یک نوع نگاه متحجرانه نسبت به دین، مانع حضور زنان در سطوح مدیریت کلان سیاسی می باشد که تغییر نگرش حاکم و استفاده از ظرفیت بالای فقه پویا و ارائه نظرات اجتهادی جدید و مبتنی بر شرایط اجتماعی روز، یکی از راه های مهم رفع موانع موجود می باشد. با این توصیف، ضرورت دارد نظام حقوقی کشور خود را با تعهدات بین المللی میثاق انطباق دهد و شورای نگهبان نیز با ارائه تفسیری دقیق از قانون اساسی، راه را بر هر نوع تفسیر سلیقه ای در این زمینه ببندد.

کلید واژه ها: ایران، حقوق سیاسی زن، حقوق بین الملل، میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی.

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

فصل اول: کلیات پژوهش

۱-۱- مقدمه.....	۱
۲-۱- شرح و بیان مسئله پژوهشی.....	۳
۳-۱- علل انتخاب موضوع.....	۶
۴-۱- اهداف تحقیق.....	۷
۵-۱- اهمیت و ضرورت تحقیق.....	۷
۶-۱- فرضیه ها و سوالات ویژه تحقیق.....	۹
۱-۶-۱- سوالات اصلی.....	۹
۲-۶-۱- سوال فرعی.....	۹
۳-۶-۱- فرضیه های اصلی.....	۹
۴-۶-۱- فرضیه فرعی.....	۹
۷-۱- کاربرد نتایج تحقیق.....	۱۰
۸-۱- کلید واژه ها.....	۱۰
۹-۱- تعریف واژه های کلیدی.....	۱۰
۱-۹-۱- حقوق.....	۱۱
۲-۹-۱- حقوق سیاسی.....	۱۱
۳-۹-۱- حقوق سیاسی زن.....	۱۲
۴-۹-۱- حقوق بین الملل.....	۱۳
۵-۹-۱- منشور بین المللی حقوق بشر.....	۱۴
۶-۹-۱- میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی.....	۱۵
۷-۹-۱- میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی.....	۱۵
۱۰-۱- ارگان ناظر بر میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی.....	۱۷
۱۱-۱- شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد.....	۱۹

فصل دوم: چهارچوب نظری و ادبیات تحقیق

۲۱	۱-۲-۱- مروری بر ادبیات تحقیق
۲۱	۱-۱-۲- مقدمه
۲۲	۲-۱-۲- تحقیقات داخلی
۲۵	۳-۱-۲- تحقیقات خارجی
۲۶	۴-۱-۲- نقد و بررسی
۲۷	۲-۲- چهارچوب نظری
۲۷	۱-۲-۲- فمینیسم و حقوق سیاسی زنان
۳۵	۲-۲-۲- گرایش های فمینیستی
۴۲	۳-۲-۲- نظریه ساختارگرایی
۴۳	۴-۲-۲- نظریه حکومت و مشارکت سیاسی
۴۴	۵-۲-۲- نظریه دسترسی و مشارکت سیاسی
۴۴	۶-۲-۲- چهارچوب نظری مناسب

فصل سوم: روش شناسی تحقیق

۴۶	۱-۳- مقدمه
۴۷	۲-۳- روش تحقیق
۴۸	۳-۳- تکنیک جمع آوری داده ها
۵۰	۴-۳- جامعه آماری مورد مطالعه
۵۱	۵-۳- روش و طرح نمونه برداری
۵۲	۶-۳- حجم نمونه و روش محاسبه
۵۳	۷-۳- روش تجزیه و تحلیل داده ها
۵۳	۸-۳- اعتبار (روایی)
۵۴	۹-۳- روش ارزیابی داده ها
۵۴	۱۰-۳- مصاحبه ها
۵۵	۱۱-۳- سوالات مصاحبه
۵۶	۱۲-۳- تجزیه و تحلیل مصاحبه ها

۱۳-۳- نتیجه گیری ۷۶

فصل چهارم: میزان دسترسی زنان به حقوق سیاسی از منظر دین اسلام

۱-۴- مقدمه	۷۹
۲-۴- حقوق سیاسی زنان در قرآن	۸۰
۳-۴- نقش اجتهاد در فقه و قانون اساسی	۸۴
۴-۴- دیدگاه های فقها در مورد حقوق سیاسی زنان	۸۷
۱-۴-۴- دیدگاه مخالفان حضور زنان در عرصه های سیاسی	۸۸
۲-۴-۴- دیدگاه موافقان حضور زنان در عرصه های سیاسی	۹۴
۵-۴- مشارکت اجتماعی- سیاسی زنان در صدر اسلام	۹۷
۱-۵-۴- خدیجه	۹۹
۲-۵-۴- ام سلمه	۹۹
۳-۵-۴- ام شریک	۱۰۱
۴-۵-۴- عایشه	۱۰۱
۵-۵-۴- فاطمه (س)	۱۰۳
۶-۴- نتیجه گیری	۱۰۴

فصل پنجم: الحاق به میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و تأثیر آن بر ایران

۱-۵- مقدمه	۱۰۶
۲-۵- سیری در تاریخچه حقوق بشر	۱۰۷
۱-۲-۵- حقوق بشر در ایران باستان	۱۰۷
۲-۲-۵- چگونگی و چرایی پیدایش منشور بین المللی حقوق بشر	۱۰۸
۳-۲-۵- مفهوم برابری در حقوق بشر و دموکراسی	۱۰۹
۳-۵- وضعیت حقوق سیاسی زنان پیش از انقلاب	۱۱۲
۴-۵- ره نشانه های جنبش زنان پیش از انقلاب	۱۱۵
۵-۵- دیدگاه حکومت پهلوی دوم نسبت به مسئله حقوق بشر	۱۱۷
۶-۵- اقدامات حکومت پهلوی دوم در جهت احقاق حقوق زنان	۱۲۰

- ۵-۷- تأثیر روشنفکری دینی بر احقاق حقوق زنان ۱۲۳
- ۵-۸- فعالیت های گروه های مختلف زنان در جهت احقاق حقوق خویش در دوره پهلوی دوم ۱۲۴
- ۵-۹- موضع حکومت پهلوی دوم نسبت به میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۲۷
- ۵-۱۰- نتیجه گیری ۱۲۹

فصل ششم: مطالعه تطبیقی حقوق سیاسی زن در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و میثاق

بین المللی حقوق مدنی و سیاسی

- ۶-۱- مقدمه ۱۳۱
- ۶-۲- حقوق سیاسی زن در قانون اساسی ۱۳۲
- ۶-۳- حقوق سیاسی زن در عرصه های زمامداری از دیدگاه قانون اساسی ۱۳۵
- ۶-۳-۱- رهبری یا شورای رهبری ۱۳۵
- ۶-۳-۲- مجلس خبرگان رهبری ۱۳۶
- ۶-۳-۳- مجلس شورای اسلامی ۱۳۷
- ۶-۳-۴- شورای نگهبان ۱۳۸
- ۶-۳-۵- ریاست جمهوری ۱۴۰
- ۶-۳-۶- شوراهاى اسلامى ۱۴۱
- ۶-۳-۷- مجمع تشخیص مصلحت نظام ۱۴۲
- ۶-۳-۸- وزارت ۱۴۳
- ۶-۳-۹- مقامات عالی نیروهای مسلح ۱۴۴
- ۶-۳-۱۰- ریاست قوه قضائیه ۱۴۵
- ۶-۳-۱۱- ریاست دیوان عالی کشور ۱۴۶
- ۶-۳-۱۲- قضاوت ۱۴۷
- ۶-۳-۱۳- شورای عالی امنیت ملی ۱۵۴
- ۶-۴- کاستی ها و نارسایی های قانون اساسی و قانون مدنی در خصوص حقوق سیاسی زنان ۱۵۵
- ۶-۵- ناسازگاری میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی با قوانین ایران ۱۵۹
- ۶-۶- تعهدات دولت ایران در میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۶۰
- ۶-۷- موانع و محدودیت های زنان برای حضور در عرصه های سیاسی ۱۶۲

۱۶۵ ۸-۶ نتیجه گیری

فصل هفتم: ملاحظات پایانی و پیشنهادات

۱۶۷ ۱-۷ مقدمه

۱۶۸ ۲-۷ نتیجه گیری

۱۷۰ ۳-۷ گام های تحقیق

۱۷۲ ۴-۷ محدودیت های تحقیق

۱۷۲ ۵-۷ پیشنهادات و راهکارهای افزایش حضور سیاسی زنان در جامعه

پیوست ها

۱۷۸ اصول قانون اساسی در مورد حقوق سیاسی زنان

۱۸۳ متن کامل میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی

۲۱۳ منابع و مآخذ

آزادی، همواره، دست کم آزادی کسی
است که دیگر گونه می اندیشد.

روزا لوکزامبورگ - ۱۹۱۸

فصل اول: کلیات پژوهش

۱-۱ مقدمه

امروزه یکی از مسائل مهم زنان به ویژه در کشورهای در حال توسعه، نابرابری جنسیتی به معنی دسترسی متفاوت به فرصتها و امتیازات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است. اگر مسئله برابری جنسیتی از زاویه سیاسی مورد بررسی قرار گیرد، می توان به جنبه هایی چون: برابری در مقابل قانون، برابری فرصتها در رسیدن به مناصب سیاسی، برابری تأثیر گذاری بر سیاست گذاریها و تصمیم گیریها و به طور کلی برابری در برخورداری از حقوق سیاسی اشاره کرد. اما با توجه به حساسیت و بحث برانگیز بودن این مسئله، در کشور ما چندان مورد توجه واقع نمی شود و بحث و جدال بر سر اینکه آیا زنان حقوق سیاسی مساوی با مردان می توانند داشته باشند یا خیر هنوز به نتیجه نهایی نرسیده است. بنابراین، می توان از دو بعد نظری و عملی به این مسئله نگریست. از لحاظ نظری در مورد محدوده فعالیت و حقوق سیاسی زنان اتفاق نظری وجود ندارد. عده ای، زنان را در برخورداری از حقوق سیاسی، برابر با مردان می دانند و عده ای دیگر حتی زنان را واجد داشتن حق رأی هم نمی دانند. جایگاه عملی حقوق سیاسی زنان نیز بسی فروتر از جایگاه نظری آنان می باشد.

مسئله حقوق سیاسی زنان یکی از مسائلی است که هم با رشد و پیشرفت جایگاه زنان و مردان در جامعه در ارتباط است و هم با بحث توسعه و دموکراسی پیوندی ناگسستنی دارد. برخورداری از جامعه ای متعادل، بدون حضور سیاسی زنان و بهره مندی از توانایی های بالقوه ایشان در این زمینه میسر نیست. به طور کلی مسائل زنان به کل جامعه مربوط می شود و جدا از منافع جامعه نیست. از اینرو جامعه برای اینکه بتواند بیشترین منافع را برای اعضای خود تأمین کند، ملزم است از توانمندیها و ظرفیتهای نیمی از پیکره خویش به خوبی بهره جوید، و مهمتر از آن، عوامل بازدارنده مشارکت سیاسی زنان را بشناسد و در جهت رفع آنها قدم بردارد. به عبارت دیگر، شناخت و برخورد با چالشها و مسائل پیش روی زنان برای کلیت جامعه اهمیت دارد، زیرا تا زمانی که نیمی از اعضای جامعه شهروند درجه دوم تلقی شوند و اساساً دارای مشارکت و سهم کمتری از مردان باشند، جامعه روی سعادت را نخواهد دید. گذشته از این حضور زنان در سیاست باعث دگرگونی در حیطه موضوعات سیاسی می شود، و زنان نیز می توانند به بیان خواستهها و دفاع از خواستههایشان پردازند. بنابراین، چون تبعیضات قانونی و محدودیت

های حقوقی یکی از عوامل بازدارنده اصلی در این زمینه محسوب می شوند، باید برای از بین بردن این موانع ابتدا سطح آگاهی زنان و همچنین کسانی که در جهت بهبود وضعیت حقوقی ایشان قدم برمی دارند را نسبت به این مسئله افزایش داد.

با اذعان به این امر که تلاش در جهت احقاق حقوق سیاسی زنان گامی است در راستای دستیابی به دموکراسی و عدالت اجتماعی، ارتقای آگاهی زنان نیز از عوامل بسیار مهم در این زمینه به شمار می رود که در دسترسی آنان به حقوق خویش در عرصه اجتماع و سیاست تأثیر فراوان دارد. از این رو این پایان نامه بر آن است تا جهت آگاه سازی زنان از حقوق سیاسی خویش و همچنین شناخت تبعیض ها و نابرابری های موجود در قوانین کشورمان به بررسی تطبیقی حقوق سیاسی زنان در ایران با میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی که ایران عضو آن است، پردازد تا از ورای چنین مقایسه ای و با پی بردن به نواقص و کاستی های موجود در قانون اساسی و مدنی، به راه کارهای مناسبی جهت از بین بردن موانع مشارکت سیاسی زنان دست یابد. چرا که اصول مندرج در اسناد بین المللی را می توان به عنوان معیار مفیدی در جهت ارزیابی حقوق زنان در ایران تلقی کرد و حقوق سیاسی زنان را در تطابق با آخرین رهیافت های بین المللی مورد بررسی قرار داد (کنوانسیون حقوق سیاسی زن ۱ و کنوانسیون آمریکایی اعطای حقوق سیاسی به زنان ۲). بدیهی است که ارتقاء آگاهی زنان در این زمینه بدون شناخت موانع اجرایی آن و همچنین بدون عنایت و توجه قانونگذاران به این مسئله نتیجه مثبتی در بر نخواهد داشت. بنابراین، سعی بر آن است تا موانع اجرایی مفاد مندرج در میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی در ایران شناخته شود و برای رفع و حل مشکلات ناشی از آن نیز راهکارهایی ارائه شود.

با این توصیف، پایان نامه حاضر در هفت فصل به موضوع مورد بحث می پردازد. فصل اول، شامل کلیات تحقیق است که به شرح و بیان مسئله پژوهشی، علل انتخاب موضوع، اهداف، اهمیت و ضرورت، فرضیات و سوالات ویژه و کاربرد نتایج تحقیق و همچنین به تعریف کلید واژه ها می پردازد. فصل دوم، مروری دارد بر چهارچوب نظری و ادبیات تحقیق که در این قسمت پژوهشگر با مرور منابع داخلی و خارجی موجود و بررسی نظریه های مختلف، در پی تنظیم الگویی مناسب جهت پاسخگویی به سوالات تحقیق می باشد. فصل سوم، به روش شناسی تحقیق مربوط می باشد که در آن، روش تحقیق، تکنیک جمع آوری داده ها، جامعه آماری مورد مطالعه، روش و طرح نمونه برداری، حجم نمونه و روش محاسبه، روش تجزیه و تحلیل داده ها و تجزیه و تحلیل مصاحبه های صورت گرفته با فعالان حقوق زن، مورد بحث قرار می گیرد. از آنجا که یکی از امتیازات مصاحبه با

¹ http://www.uneca.org/eca_programmes/acgd/gender/en_convention_political.pdf

² <http://www.oas.org/CIM/english/Conventions%20Polit.%20Rights.htm>.

نخبگان این است که ایشان در طی مصاحبه نتیجه سال‌ها مطالعه، پژوهش و تجربه خویش را در مورد موضوع تحقیق به مصاحبه کننده ارائه می‌دهند، بنابراین هر یک از افراد مورد مصاحبه یک منبع غنی اطلاعاتی به شمار می‌رود و این بخش یکی از مهمترین قسمت‌های پژوهش به شمار می‌رود. فصل چهارم، حقوق سیاسی زن را از منظر قرآن و فقه اسلامی مورد بررسی قرار می‌دهد و دیدگاه‌های مختلف را در این زمینه به بحث می‌گذارد و با استناد به آیات و روایات و همچنین مشارکت سیاسی زنان در صدر اسلام، لزوم حضور زنان در قدرت را نشان می‌دهد. فصل پنجم، ضمن اشاره مختصری به تاریخچه حقوق بشر، پیش زمینه تاریخی آن در ایران باستان، چگونگی و چرایی منشور بین‌المللی حقوق بشر، به علت‌ها و انگیزه‌های ایران از پیوستن به میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی می‌پردازد. فصل ششم، با تحلیل محتوای قانون اساسی جمهوری ایران در زمینه حقوق سیاسی زنان و مقایسه آن با میثاق مذکور، کاستی‌ها و نارسایی‌های موجود در این زمینه را شناسایی و تعهدات دولت ایران در این معاهده بین‌المللی را یادآور می‌شود و در نهایت به موانع و محدودیت‌های زنان برای حضور در عرصه‌های سیاسی می‌پردازد. فصل هفتم، ضمن ارائه نتیجه نهایی، گام‌ها و محدودیت‌های تحقیق، پیشنهاداتی را نیز برای افزایش حضور سیاسی زنان در جامعه ارائه می‌دهد.

۱-۲ شرح و بیان مسئله پژوهشی

همواره مشارکت سیاسی زنان^۱ که نیمی از جمعیت هر جامعه‌ای را تشکیل می‌دهند، پیش شرط توسعه سیاسی همه کشورها و تعالی انسانها بوده است، این امر خود مستلزم بهره‌مندی زنان از حقوق سیاسی برابر با مردان است تا ایشان نیز بتوانند همپای مردان چرخ‌های توسعه کشور را به حرکت درآورند و بدون هیچ مانع و محدودیتی وارد عرصه‌های سیاسی شده و استعدادهای نهفته خود را به منصفه ظهور رسانند.

بنابراین می‌توان گفت در شرایط جدید که جامعه در حال گذار از سنت به مدرنیته است، مهمترین نقش یک زن نقش سیاسی اوست. در جامعه پس از سنت، موقعیت شهروند بودن زنان بیش از موجودیت زیست-شناختی آنها مورد توجه است (کتابی و قاسمی، ۱۳۸۳: ۲۶۶). «المپ دوگورژه» در اعلامیه حقوق زن و شهروند می‌گوید: «همچنانکه زنان بالای چوبه‌دار می‌روند، به همان سان حق دارند بالای سکوی خطابه بروند»^۲. همچنین تحقیقات نشان می‌دهد حضور زنان در عرصه‌های سیاسی منجر به تعدیل سیاست می‌شود و از بروز خشونت بین دولتها جلوگیری می‌کند. وقتی زنان در رأس قدرت قرار دارند کمتر بودجه کشور را صرف هزینه‌های نظامی

¹ Women's Political Participation

² <http://www.tahamtan.blogfa.com/post-2.aspx>

می‌کنند و بیشتر تمایل دارند بودجه‌های کشور صرف ایجاد رفاه اجتماعی برای مردم شود (پاتریک^۱، ۲۰۰۳: ۲۸۷-۳۰۲). و از آنجا که زنان نوع دوست‌تر و اخلاقی‌تر از مردان هستند، رهبری زنان، بازتر، انعطاف‌پذیرتر و توأم با شفقت بیشتری است (مجله توسعه زنان: ۱۹۹۵).

علاوه بر این به قدرت رسیدن زنان و حضورشان در سیاست نشانه‌های گویای دموکراسی سالم است و سهمین شدن زنان و مردان در تصمیم‌گیری از پیش‌نیازهای دموکراسی است و در این میان باور و وقوف زنان به توانایی‌های خودشان و تلاش در اثبات شایستگی‌هایشان و نهراسیدن آنان از کسب قدرت و مقام، شرایط مناسبی را برای حضور و مشارکت موفق آنها به وجود خواهد آورد (پاتریک، ۲۰۰۳: ص ۳۰۳). گذشته از این، حضور زنان در عرصه‌های تصمیم‌گیری سیاسی، قطعاً به اتخاذ تصمیمات بهتری برای بهبود وضعیت زنان می‌انجامد؛ چرا که تصمیم‌گیری در مورد مسائل زنان به وسیله خود آنان به حل مسائل کمک می‌کند (مصفا، ۱۳۷۹).

مشارکت سیاسی در اینجا به معنای: «شرکت فعالانه انسانها ... در حیات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و به طور کلی تمامی ابعاد حیات» (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۵۲۱) و یا فعالیت داوطلبانه اعضای جامعه در انتخاب رهبران و شرکت مستقیم و غیر مستقیم در سیاست‌گذاری عمومی است. منظور از این نوع مشارکت، مشارکت مسالمت‌آمیز، از جمله مشارکت در انتخاب کردن و انتخاب شدن در همه سطوح ملی و فراملی، فعالیت در احزاب و گروه‌های سیاسی، تشکیل حزب و گروه سیاسی به منظور دخالت و مشارکت در تصمیم‌گیری‌های خرد و کلان سیاسی که با سرنوشت جامعه در ارتباط است، می‌باشد (جلالی، ۱۳۸۵: ۶۳۷). حقوق سیاسی را نیز می‌توان این گونه تعریف کرد: «حقوق سیاسی تفسیر پدیده‌های سیاسی از لحاظ حقوقی است» (عالم، ۱۳۷۲: ص ۴۹). حقوق سیاسی زن دامنه گسترده‌ای را در بر می‌گیرد، به طوری که مرزبندی دقیق میان آن و حقوق اجتماعی دشوار است. اما منظور نویسنده از حقوق سیاسی بیشتر حقوق انتخاباتی و حق حضور در مدیریت سیاسی جامعه است.

مشارکت زنان ایرانی در عرصه‌های سیاسی همواره در طول تاریخ با موانع سیاسی، قانونی و فرهنگی مواجه بوده است. با مروری بر پیشینه حقوق سیاسی زنان در ایران در می‌یابیم که زنان در قانون اساسی مشروطه حتی از کوچکترین حق سیاسی یعنی حق رای دادن و انتخاب کردن محروم بوده‌اند، به طوری که در مواد ۱۰ و ۱۳ قانون انتخابات مجلس، مصوب سال ۱۳۲۹ ه. ق زنان همدریف با محجورین، ورشکستگان، متکدیان، سارقان و کافران قرار گرفته‌اند و از طبیعی‌ترین حقوق خود، یعنی حق انتخاب کردن و انتخاب شدن منع شده‌اند (کار، ۱۳۸۰: ۱۹). ولی مدتی بعد از آن طی جلسه هیأت وزیران که در تاریخ ۸/آذر/۱۳۴۱ تشکیل شد، حق رأی

^۱ Patrick M. Regan

زنان به رسمیت شناخته شد و سپس با تصویب ماده واحده ای در سال ۱۳۴۳ به این مسئله صورت قانونی داده شد، یعنی زنان توانستند ضمن رأی دادن، بر کرسی نمایندگی پارلمان نیز بنشینند (کار، ۱۳۸۰: ۳۷-۳۴).

همچنین می توان به مشارکت عظیم زنان ایرانی در جریان انقلاب اسلامی اشاره کرد که عملاً منجر به ارتقای حقوق سیاسی آنان و به رسمیت شناختن مشارکت و مسئولیت بیشتر آنان گردید (شجاعی، ۱۳۸۳: ص ۲۷۱).

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹ و تأثیر مشارکت زنان در پیروزی آن، این حق ابتدا به صورت طبیعی و منطقی و سپس به شکل قانونی برای زنان به وجود آمد. انقلاب اسلامی ایران تا حدود زیادی دیدگاه اسلام را نسبت به زن و جایگاه او در نظام اجتماعی و ارزشی آن برای همگان روشن ساخت. نهضت حق طلبی زنان ایرانی به رهبری امام خمینی (ره) و نگرش عمیق ایشان به مقام و نقش زنان با پیروزی انقلاب اسلامی وارد مرحله جدیدی شد (شجاعی، ۱۳۸۳: ۲۷۱).

علی رغم پیشرفتهای نسبتاً خوبی که در زمینه حقوق سیاسی زنان در ایران در مقایسه با بسیاری از کشورهای اسلامی و منطقه خاورمیانه به وقوع پیوسته است، در حال حاضر زنان ایرانی در مقایسه با همجنسان خود در سایر نقاط دنیا از حقوق سیاسی مطلوبی برخوردار نیستند و در بسیاری از موارد از حضور در عرصه های تصمیم گیری و تصدی پست های کلیدی محروم شده اند و اکنون به پیشرفتهای بیشتری در این عرصه نیاز دارند تا به مرحله ای برسند که شخصیت کامل خود را باز یابند.

مهاتما گاندی می گوید: « همیشه با شور و حرارت آرزو می کنم که زنان به آزادی کامل و واقعی برسند.... اگر من زن بودم، علیه دعوی مرد دایر بر اینکه زن به دنیا آمد تا بازیچه او باشد، سخت عصیان می کردم» (جلالی، ۱۳۸۳: ۱۴۱).

باید گفت، تنها در جامعه ای می توان نشان از دموکراسی سالم گرفت که همه افراد بتوانند صرف نظر از جنسیتشان، سهم خود را از سیاست گذاری ها و تصمیم گیری ها مطالبه کنند و خواهان حقوق انسانی برابر با یکدیگر باشند. به نظر می رسد تحقق چنین هدفی، مستلزم حضور مستقیم خود زنان در قدرت و عرصه های تصمیم گیری سیاسی است. بنابراین عدم حضور زنان در این عرصه ها پیامد های مهمی برای جامعه دارد:

- ۱- زنان را در مقام شهروند از حقوق و نیز مسئولیتهایی محروم می سازد،
 - ۲- دیدگاه های آنان در تدوین قوانین و خط مشی ها ملحوظ نمی شود،
 - ۳- آنان را از داشتن سهمی در بودجه های ملی و تخصیص منابع بی نصیب می کند،
- جامعه را از مهارتها، دانش و دیدگاه های زنان بی بهره می سازد (شجاعی، ۱۳۸۳: ۲۷۰).

در دهه های اخیر به طور کلی مسائل زنان و حضور آنان در عرصه های سیاسی و اجتماعی از طریق دولت‌ها و مجامع بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته است، که این خود نشان دهنده اهمیت موضوع است. بنابراین موانع قانونی و ساختاری که زنان را از حضور در این عرصه ها منع می کند می تواند به عنوان سدی در مقابل توسعه همه جانبه کشورها عمل کند و اثرات مخربی بر پیشرفت و تعالی جامعه بر جای گذارد.

این تحقیق در نظر دارد با مقایسه حقوق سیاسی زنان در ایران با میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی که ایران هم به عضویت آن درآمده، تبعیضاتی را که در عمل وجود دارد روشن کند و چشم انداز جدیدی پیش روی زنان قرار دهد تا به کاستی ها و نواقص موجود پی برده و به اتفاق قانون گذار در صدد رفع کاستی ها برآیند.

۱-۳ علل انتخاب موضوع

مسئله حقوق زن و مخصوصاً حقوق سیاسی وی همیشه یکی از موضوعات مهم و بحث‌برانگیز منازعات سیاسی در همه جای دنیا از جمله کشورمان ایران بوده است، با این حال، خود زنان به طور مستقیم کمتر در سیاست شرکت داشته‌اند. زیرا برای ورود زن ایرانی به عرصه قدرت سیاسی و سهم شدن وی در مناصب سیاسی موانع بسیاری از جمله موانع حقوقی و قانونی وجود دارد. البته در بسیاری از این تجربیات تبعیض آمیز، زنان ایرانی با زنان دیگر جوامع سهم هستند. در واقع می‌توان گفت: «عمده‌ترین مشکلات زنان سراسر دنیا در رابطه با مشارکت سیاسی است که بارها در جلسات مختلف شورای اقتصادی - اجتماعی سازمان ملل متحد مورد بحث قرار گرفته است. در اجلاس ۲۲-۱۸ سپتامبر ۱۸۸۹ وین که موضوع آن تساوی زن و مرد در مشارکت سیاسی و تصمیم‌گیری بود، این نکته مورد تأکید قرار گرفت که زنان با مشکلات مشترکی مواجهند و در زمینه‌های مختلف از جمله در سطوح تصمیم‌گیری، نقشی ندارند و ساختار اجتماعی - سیاسی جوامع، مشارکت سیاسی آنان را تسهیل نمی‌کند و در صدد رفع تبعیض‌ها بر نمی‌آید» (چابکی، ۱۳۸۱: ۱۴۸). ولی باید گفت، بعضی موانع حقوقی موجود، خاص کشورهای ایران است، و با وجود حمایت سازمان‌های بین‌المللی و اتخاذ تمهیداتی نظیر بیانیه حقوق بشر و میثاق‌های بین‌المللی ... و همچنین پیوستن ایران به این میثاق‌ها هنوز تبعیضاتی را در سطح نظری و عملی شاهدیم. از این رو نگارنده بر آن است تا در این تحقیق تعارضات موجود را روشن تر نماید، همچنین موانع و محدودیت‌های زنان از حضور در عرصه‌های زمامداری و علت وجود چنین موانعی را مورد بررسی قرار دهد.

۱-۴ اهداف تحقیق

همانطور که گفته شد، امروزه توجه مجامع و محافل بین المللی معطوف به مسئله جایگاه، نقش و حضور زنان در عرصه سیاست و حکومت و میزان بهره مندی آنان از حقوق سیاسی برابر با مردان است. زیرا امروزه مشارکت سیاسی زنان بیش از هر زمان دیگری در طول تاریخ، جنبه حیاتی پیدا کرده و نمی توان از پیامدها و اثرات مثبت آن در جامعه غافل شد.

با این توصیف هدف اصلی این پژوهش عبارتست از: بررسی تطبیقی حقوق سیاسی زنان در ایران و میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی. اهداف جزئی این پژوهش بدین قرار است:

- ۱- مشخص کردن حقوق سیاسی زنان در ایران و تبعیضهای احتمالی موجود بین زنان و مردان در عمل.
- ۲- مشخص کردن نقاط اشتراک و افتراق حقوق سیاسی زنان در ایران با میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی.
- ۳- بررسی موانع فقهی، حقوقی و اجرایی مشارکت سیاسی زنان.
- ۴- ارائه راهکارهایی جهت حمایت بیشتر قانونگذار از حقوق سیاسی زنان در ایران.

۱-۵ اهمیت و ضرورت تحقیق

حقوق انسانی زن^۱ که حق مشارکت سیاسی نیز قسمتی از آن است، تابع عوامل مختلفی از جمله عوامل فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و حقوقی است. با این توصیف یکی از عوامل موثر بر مشارکت سیاسی زنان در ایران امروز، عامل حقوقی است که در سالهای اخیر، ذهن محققان را به خود مشغول داشته است. از آنجا که تا به حال کار تطبیقی در این زمینه صورت نگرفته تا به مقایسه حقوق سیاسی زن در ایران با میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی پردازد و با توجه به الحاق بدون قید و شرط دولت جمهوری اسلامی ایران به این میثاق بین المللی لازم است مطالعه ای در این مورد در کشورمان ایران انجام شود تا کمبودها و نقایص و ابهاماتی که در قوانین داخلی کشور ما نسبت به این معاهده بین المللی وجود دارد شناسایی و رفع شود و به این مسئله اساسی توجه کند که آیا در عمل بین این میثاق بین المللی و حقوق داخلی کشور تعارض وجود دارد یا نه و در صورت وجود چنین تعارضاتی، علت و ریشه آن در کجاست.

^۱ Women's Human Rights